

متن پرسش

سلام خدمت استادام: خیلی وقت است که شبهه ای راجع به عدالت خداوند برابم پیش آمده است. این شاءالله که با جواب شما استاد عزیز برابم حل شود. در تاریخ است که در زمان رسول خدا صلی علیه آله یک مرد ارمنی پس از طلوع آفتاب به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد و مسلمان شد از قضای الهی همان روز جنگ شد و در جنگ شرکت کرد و قبل از ظهر به مقام شهادت نائل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله بر سر جنازه ی آن مرد آمد و لبخندی زد، اصحاب علت لبخند پیامبر صلی علیه و آله را از ایشان پرسیدند ایشان گفتند به خاطر این لبخند می زنم که این شخص حتی دو رکعت نماز هم نخوانده و یک روز هم کمتر مسلمان شده و الان در بهشت است. استاد آن مرد ارمنی پیامبرش را دیده و در آن زمان هم که در باغ شهادت هم باز بوده و عاقبتش ختم به خیر شده، خوش به حالش و خوشا به سعادتش. استاد شبهه ی بنده این است که خداوند از من و جوان های امروزی چه انتظاری دارد که نه رسولش را دیده ایم نه امامش را، با این وضعی که اگر بخواهیم دیندار هم بمانیم نمی گذارند، استاد من و امثال من که می خواهیم مذهبی و با خدا بمانیم نمی توانیم پیمان را از خانه بگذاریم بیرون با این وضع بی حجابی، استاد من جوانم اگر نگاهم به جنس مخالف بیفتد خواه ناخواه بر من اثر می گذارد، استاد به خدا هر کجا که می رویم از کوه و دشت بازار و کوچه و مغازه و میهمانی با دختران بی حجاب مواجه می شویم، استاد قلب ما از گوشت است از فولاد نیست. گیرم که جایی نرویم و در خانه بمانیم باز هم وقتی اقوام به خانه ی ما می آیند با دختران جوان و زیبا و کاملاً بی حجاب مواجه می شویم. خدا هم که آن بالا نشسته و هر چه به در گاهش ناله و زاری می کنیم انگار نه انگار! امامان هم که غایب است که لااقل به پیش او می رفتیم و درد دلمان را به او می گفتیم. در باغ شهادت هم که به رویمان بسته است. استاد به خدا قسم این حرف دل جوان هایی است که می خواهند با خدا و مذهبی باشند ولی شرایط موجود مانند پتک بر سرمان می کوبد لا اقل کاش خود کشی حرام نبود تا خودمان را راحت می کردیم، بلکه تعجب نکنید، خودکشی! خیلی سخت است. می دانی با گناهت داری دل امام زمانت را می شکنی ولی هجمه ی فرهنگی و شرایط روزگار انگار به زور دستت را می گیرند و به سمت گناه می کشانند. استاد مگر می شود بر خلاف جهت آب شنا کرد؟ هر کجا که می روی یا بی حجابی است یا غیبت و تهمت است یا جنگ و دعوا سر پول است. استاد چگونه خداوند از ما انتظار دارد که بر خلاف جهت آب شنا کنیم؟ آیا اصلاً خداوند اگر جای ما بود...؟ استاد من به وجود خداوند ایمان کامل دارم ولی محبتم نسبت به او کم شده زیرا احساس می کنم بیش از حد توانمان از ما انتظار دارد و احساس می کنم که خدا کمی بی انصاف است. استاد ببخشید

که اینطور می‌گم ولی یا جوابم را ندهید یا طوری جوابم را دهید که من و امثال من قانع شویم نه اینکه خودتان قانع شوید. استاد بی‌احترامی من حقیر را به بزرگواری خودتان ببخشید و بدانید اینها که گفتم حرف دل میلیونها جوانی است که دلشان می‌خواهد دل امام زمانشان را نشکنند ولی شرایط کنونی جامعه نمی‌گذارد. اول از خدا بعدشم از شما بابت حرف‌هایی که در گلویم بغض شده بود و گفتم معذرت خواهی می‌کنم. یا علی

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: کجا بودید قبل از انقلاب! تا با صحنه‌هایی ناخواسته روبه‌رو شوید که چند شبانه روز ذهن‌تان را آنچنان به خود مشغول می‌کرد که تنها با پناه‌بردن به خدا و مقاومت در مقابل آن شرایط به روحانیتی دست می‌یافتید که فکر آن را هم نمی‌کردید. چرا امام سجاد «علیه‌السلام» می‌فرمایند: در آخرالزمان انسان‌هایی هستند که از همه‌ی انسان‌های دوران بهترند زیرا حفظ ایمان در آن زمان مثل نگه‌داشتن آتش در کف دست است؟! آیا همین‌که با همه‌ی این سختی‌ها که می‌فرمایید، مقاومت می‌کنید نتیجه‌اش بیشتر از صدها بهشتی نیست که آن شخص مسیحی با آن روبه‌رو شد؟ اگر خداوند به حکم آیه‌ی «لایکلف الله نفساً الاّ وسعها» در شما و امثال شما چنین آمادگی‌هایی را نمی‌دید، حتماً مطمئن باشید که چنین شرایطی را برای شما فراهم نمی‌نمود. از خدا تقاضای مرگ نکنید، از خدا بخواهید که از این پل صراط آتشین دنیا همچون شهدای عزیز به سلامت عبورتان دهد. موفق باشید